

نقش مولانا علی نقی نقوی لکهنوی (از مفسران شیعی معاصر) در گسترش تفسیر و علوم قرآن در شبه قاره هند

رئیس اعظم شاهد *

طاهره بتول **

چکیده

مولانا سید علی نقی نقوی، از سلسله سادات و خانواده اجتهاد (از خاندان سید دلدار علی غفران مآب که در هند شهرت به خاندان اجتهاد دارند)، یکی از قرآن پژوهان و مفسران معاصر برجسته شیعه شبه قاره هند است که شناسایی و شناساندن فعالیت‌های قرآنی وی، برای جامعه علمی در راستای بازشناسی تلاش‌های تمدن ساز شیعی از اهمیت قابل توجهی، برخوردار است. ایشان با نگارش تفسیر *فصل الخطاب* و ارائه نظریاتی در تبیین و تفسیر آیات و نیز پرداختن به علوم قرآنی در مقدمه تفسیرش، نقشی مهم در گسترش علوم قرآنی و علم تفسیر ایفا کرده است. وی علاوه بر داشتن آثار و تالیفات، شاگردانی فعال و تاثیرگذار در عرصه قرآنی، پرورش داد. نوشتار حاضر پژوهشی، اسناد محور است که جایگاه و ویژگی‌های تفسیر *فصل الخطاب* و روش و گرایش تفسیری مولف را با روش توصیفی-تحلیلی، مورد ارزیابی قرار داده است.

واژگان کلیدی: قرآن؛ شبه قاره هند؛ علی نقی نقوی؛ تفسیر *فصل الخطاب*.

قرآن کریم، در عصر کنونی یگانه کلام الهی برای هدایت و سعادت دنیوی و اخروی در دست بشر است که از هرگونه تحریف مصون مانده. این کلام الهی از زمانی که به صورت معجزه همیشگی نازل شد با این که دارای ویژگی هدایت عمومی مردم است لکن برای تبیین آن، طبق آیه ۴۴ سوره نحل آخرین پیامبر ﷺ، مامور بوده است و لذا نخستین مفسر کامل و همه جانبه این متن الهی خود پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. بعد از ایشان، مطابق حدیث معروف ثقلین، امامان معصوم و اهل بیت علیهم السلام می باشند، این متن دست نخورده و، وحیانی برای همه انسان ها است و از این لحاظ اقیانوسی بی کران است که همگان به مقدار توانایی علمی و سعته وجودی از آن بهره می جویند. چنان چه در روایات به این امر اشاره شده است که قرآن را عبارت، اشارات، لطایف و حقایقی است. عبارت آن برای عوام، اشارات آن برای خواص، لطایف آن ویژه اولیاء و حقایق آن مخصوص انبیا و پیامبران است (مجلسی: ۱۴۰۳، ۹۲ / ۱۰۳).

از آن جا که این متن وحیانی، از جهت معانی دارای بطون و لایه لایه است، افراد بر اساس منابع (موهبتی و کسبی)، دانش، تلاش و توان خود از این سفره الهی خوشه چینی می کنند. از این روی، مفسران از زمان نزول کتاب الهی، تاکنون از جنبه های گوناگون برای تبیین آیات تأمل و تفکر کرده و با روش و گرایش های مختلف، فهم خود را در قالب کتب تفسیری، ارائه کرده اند و در زمینه سازی تمدن و فرهنگ اسلامی و پیشرفت علوم، نقش عمده ای را بر اساس متن کتاب الهی، ایفا نموده اند. در سرزمین شبه قاره هند نیز؛ مانند بقیه مناطق اسلامی، اسلام بر اساس کتاب الهی، گسترش یافت. مفسران گران قدر بومی و غیر بومی، با نگارش تفاسیر. طبق نیازمندی های مخاطب در این سرزمین پهناور. نقش عمده ای را در برپایی فرمانروایی حاکمان مسلمان داشته اند. در ترویج و گسترش مکتب اهل بیت: مفسران برجسته ای؛ مانند طاهر دکنی، شیخ مبارک ناگوری، فیضی، ابوالفضل علامی، حزین لاهیجی، سید دلدار غفرانمآب، شهید نورالله شوشتری، سید ابوالقاسم حائری، سید علی حائری، حسین بخش جارالله، نقش ممتازی داشته اند. از دیگر عالمان شیعی که در گسترش و ترویج علوم قرآنی و فرهنگ قرآن و اهل بیت: در سرزمین هند تلاش کرده، مولانا سید علی نقی نقوی است. ایشان با نگارش تفسیر فصل الخطاب قدمی در این راه برداشت که از زمان نگارش تاکنون، چندین بار چاپ شده و مورد استفاده عموم مردم و خواص قرار گرفته است. از نظر محتوای روانی و سلاست قلم، مورد توجه عامه مردم است. نوشتار حاضر، به نقش مولانا سید علی نقی نقوی و نگارش تفسیر فصل الخطاب در گسترش علوم قرآنی در میان مسلمانان شبه قاره هند پرداخته است.



پیشینه

درباره نقش مولانا سید علی نقی نقوی، در ترویج و گسترش علوم قرآنی در شبه قاره هند، تا جایی که نگارندگان مطالعه داشته‌اند، گزارش علمی مکتوب اسناد محور، یافت نشده است. البته در کتاب تذکره علمای امامیه پاکستان و در کتاب بر صغیر کی امامیه مصنفین، آقای حسین عارف نقوی، تا حدودی به زندگینامه مولانا سید علی نقی نقوی، به عنوان نگارنده تفسیر فصل الخطاب، پرداخته است. همین طور سید شاهوار حسین امروهی، در کتاب تذکره مفسرین امامیه (امروهی: ۲۰۰۹، ۴۱۸-۴۲۳) و در کتاب تالیفات شیعه در شبه قاره هند، اشاراتی به آن داشته‌اند. هم‌چنین در سایت‌های اینترنتی چنان‌چه در ذکر منابع، اشاره شده است، پراکنده درباره زندگی‌نامه مولانا نقوی و نویسنده تفسیر، اشاره شده است. با این وصف هنوز آن‌چه در خور شأن این اثر و نویسنده آن است به جامعه علمی، فرهنگی ارائه نشده است و نوشتار حاضر، در صدد پرکردن این خلاء، برآمده است.

۱. شناسه اجمالی مولانا سید علی نقی نقوی

۱-۱. تولد و نسب

علامه، سید علی نقی نقوی، یکی از برجسته‌ترین عالمان مفسر و محقق شبه قاره هند به شمار می‌رود. ایشان به تاریخ ۲۶ رجب سال ۱۳۲۳ ق، در یکی از شهرهای مشهور هند، به نام لکهنو و در خانواده علمی و ادبی (که این خانواده به خاندان معروف هند «خاندان اجتهاد» نسبت دارد) دیده به جهان گشود. نسب سید علی نقی نقوی، با بیست و هفت واسطه، بدین گونه «سید علی نقی نقوی فرزند سید ابوالحسن بن ابراهیم بن محمد تقی بن حسین بن سید دلدار علی بن محمد معین بن عبد الهادی بن ابراهیم بن طالب بن مصطفی بن محمود بن ابراهیم بن جلال الدین بن زکریا بن جعفر بن تاج الدین بن نصیر الدین بن علیم الدین بن علم الدین بن شرف الدین بن نجم الدین بن علی بن ابی علی بن ابی یعلی محمد بن ابی طالب حمزه بن محمد بن الطاهر بن جعفر بن الامام علی الهادی الملقب بالنقی بالنون العسکری بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام الرضوی النصیر آبادی»؛ به امام علی النقی علیه السلام، می‌رسد و از سادات فاطمی کسانی که نسب آنها به امام علی نقی علیه السلام می‌رسد، نقوی گفته می‌شود. (امین: ۱۴۰۳، ۶ / ۴۲۵)

بزرگان و اجداد سید علی نقی نقوی، مدتی طولانی در ایران زندگی می‌کردند. آنان در سبزواری

آن زمان به بیهق شهرت داشت، ساکن بودند. نخستین کسی که از این خاندان به هندوستان آمد، جد چهاردهم ایشان، سید نجم‌الدین بود که وی از فرماندهان فاتح لشکر سلطان محمود غزنوی، بود. وی پس از فتح روستای تباک لوهر، همراه فرزندان خود در آن جا اقامت گزید و نام آن شهر را به نام جد خود، سید نصیرالدین به نصیرآباد، تغییر داد (کرجی: ۱۳۹۴).

۱-۲. سفر به عراق همراه خانواده

پدر بزرگوار سید علی نقی نقوی، سیدابوالحسن نقوی، نیز عالمی روحانی بودند. مولانا علی نقی، در سال ۱۳۲۷ ق، همراه با خانواده خود اولین سفر زندگی‌اش را در چهار سالگی، آغاز کرد و عازم سفر عراق شد. در عراق، اقامت گزیدند و به خاطر تحصیل، همراه پدر وارد حوزه علمی نجف اشرف، گردید. ایشان آموزش ابتدایی دینی؛ مثل قرآن و قرائت قرآن و... را از نجف اشرف عراق شروع کرد. در سال ۱۳۳۲ ق، زمانی که مولانا نقوی، نه ساله بود، همراه با پدرش از نجف به هند بازگشت (امروهی، همان، ۴۱۸).

۱-۳. بازگشت به وطن و تحصیلات

پس از بازگشت به هند، مولانا نقوی، تحصیلات ابتدایی خود را در خانه و نزد پدر بزرگوارش آغاز کرد. هم‌چنین از مولانا سید محمد معروف به میرن، نیز کسب فیض کرد. سپس در یکی از حوزه‌های علمی معروف هند، سلطان المدارس و جامعه سلطانیه، مشغول به فراگیری علوم دینی شد و هم‌زمان در حوزه مشهور دیگری در هند به نام مدرسه علمی ناظمیه، درس خواند. وی از هر دو حوزه علمی، سند و مدرک فارغ التحصیلی و مدرک ممتاز الافاضل را دریافت کرد. ایشان در آن زمان یکی از پر تلاش ترین طلبه‌ها در هر دو حوزه علمی به شمار می‌رفت. در زبان عربی تاحدی مهارت داشت که به این زبان شعر می‌سرود. نمونه اشعارش را می‌توان در کتاب الغدیر علامه امینی، جلد هفتم، ملاحظه کرد (امینی: بی تا، ۷/ ۴۰۵). مولانا نقوی، در زمان تحصیل در حوزه‌های علمی هند از استادان برجسته، از جمله نجم العلماء مولانا سید نجم الحسن و سید محمد باقر، بهره برد (امروهی، همان، ۴۱۸).

۱-۴. سفر به حوزه علمی نجف اشرف

مولانا علی نقی نقوی، بعد از این که از درس در حوزه‌های علمی در هند فارغ التحصیل شد، برای ادامه تحصیلات خود در سال ۱۳۴۵ ق، عازم سفر به حوزه علمی نجف اشرف شد. پنج سال در آن جا مشغول تحصیل علوم دینی بود. در این دوره پنج ساله از اساتید برجسته آن زمان از جمله آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیه الله نائینی و آیه الله سید ضیاء عراقی و... بهره برد.

وی هم‌زمان با تحصیل در نجف اشرف، از فعالیت‌های پژوهشی نیز غافل نبود و آثار مفیدی را تالیف کرد. از جمله کتاب‌هایی که مولانا نقوی، در نجف اشرف نوشت؛ نخست کتاب کشف النقاب عن عقاید عبد الوهاب، علیه وهابیت بوده است. اثر دیگری اقالة العاشر فی اقامة الشعائر درباره اثبات جواز شرعی عزاداری سید الشهداء ۷ و کتاب السیف الماضي علی عقاید الاباضی در پاسخ و رد فرقه خوارج را نگاشت. (همان، ۴۲۰-۴۲۱)

۵-۱. اجازه‌های اجتهاد و مشایخ

مولانا سید علی نقوی، در زمان اقامت در نجف اشرف، در درس آیات عظام شرکت کرد و از آیات عظام آن زمان هم چون آیه الله میرزا محمد حسن نائینی، آیه الله شیخ عبد الکریم یزدی، آیه الله محمد حسین اصفهانی، آیه الله سید ابرهیم معروف به میرزا آقای شیرازی، آیه الله شیخ ضیاء الدین عراقی، سید محسن امین عاملی، شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و سید عبد الحسین شرف الدین موسوی، اجازه اجتهاد را دریافت نمود. آیه الله میرزا محمد حسین نائینی، درباره مولانا نقوی نوشت: "بلغ مرتبة سامية من الاجتهاد مقرونة بالصلاح والرشاد". آیه الله شیخ عبد الکریم در تایید نوشته میرزا نائینی نوشت: "صح ما رقمه دامت برکاته" و آیه الله شیخ محمد حسین اصفهانی، می‌نویسد: "فاز بالمراد و جاز مرتبة الاجتهاد"، آیه الله سید ابرهیم معروف به میرزا آقای شیرازی نوشت: "صعد زروة الاجتهاد مشفوعة بالصلاح والسداد ضليعا برد الفروع الى الاصول وتطبيق الدليل على المدلول" و آیه الله شیخ ضیاء الدین عراقی درباره ایشان نوشت: "جدوا اجتهد الى ان بلغ مراتبه و وصل الى مرتبة الاجتهاد والاستنباط" و هم چنین آیات عظام دیگر نیز عبارات‌های مشابه را درباره صلاحیت استنباط و اجتهاد مولانا علی نقوی، نوشته‌اند (امروھی، همان، ۴۱۸-۴۱۹)

هم چنین سید علی نقوی، از بسیاری از بزرگان علم و اجتهاد، اجازه‌ی روایت دریافت کرد که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. سید کلب مهدی هندی فرزند سید کلب باقر هندی (م ۱۳۴۹ ق) ۲. سید علی هادی ابوالحسن نقوی لکنهوی (همان) ۳. سید حسین سیدالعلماء لکنهوی ۴. شیخ آقا بزرگ تهرانی نویسنده الذریعه الی تصانیف الشیعه ۵. شیخ فدا حسین قرشی هندی (مرعشی، همان، ۲/ ۴۴۶) شیخ سراج الدین حسن، فرزند عیسی قرشی، معروف به شیخ فدا حسین یمانی از عالمان بنام هند، است ۶. سید هبه الدین شهرستانی (م ۱۳۸۶ ق) (همان) ۷. سید محسن امین عاملی که در سال ۱۳۴۷ ق، در نجف اشرف به ایشان اجازه روایت داده است ۸. سید حسن صدرالدین (م ۱۳۵۴ ق) نویسنده (جلالی حسینی: ۱۳۲۴،

۶۵) ۹. سید شهاب الدین مرعشی نجفی^{۱۰}. سید محمدهادی بجستانی خراسانی (م ۱۳۶۸ ق)
 ۱۱. سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی (م ۱۳۷۷ ق) نویسنده مراجعات در سال ۱۳۵۴
 ق به سید علی نقی نقوی اجازه روایت داد و علامه نقوی آن اجازه نامه را به الثبت الموسوی
 فی اجازه النقوی نامید (همان، ۵۶- ۸۴) ۱۲. محمد، فرزند رجب علی تهرانی عسکری (م ۱۳۷۱
 ق) نویسنده الصحیفة المهدویة والفوائد العسکریة (تهرانی: ۱۴۰۳، ۱/ ۲۴۰) ۱۳. محمدرضا نجفی
 اصفهانی مسجد شاهی (م ۱۳۶۲ ق) نویسنده ی وقایة الاذهان (نجفی اصفهانی: ۱۴۱۳، ۳۸).

۱-۶. بازگشت به هند و فعالیت های علمی و فرهنگی

مولانا نقوی، پس از بازگشت از عراق، در دانشکده ادبیات عربی دانشگاه لکهنو، به عنوان استاد،
 انتخاب شد و نزدیک به بیست و هفت سال در آن دانشکده، تدریس کرد (همان). پس از آن در
 دانشکده الهیات دانشگاه علیگره (که یکی از مشهورترین دانشگاه هند به شمار می رود)، استادیار
 شد و در آن جا به درس و تدریس پرداخت (همان). ایشان هم زمان استادیار و سخنران بسیار
 ماهر و عالی بودند. خطابه های زیادی از ایشان به جای مانده است که هنوز هم مورد استفاده
 مردم قرار می گیرد. ایشان، برای سخنرانی به مناطق مختلف هند و پاکستان می رفتند و از مکتب
 اهل بیت علیهم السلام دفاع می کردند و این مکتب را ترویج، می دادند (همان).

۱-۷. برخی از شاگردان

مولانا علی نقی نقوی، در مدت تدریس علوم دینی، بسیاری از افراد برجسته را تربیت کرد که
 این افراد برای جامعه هند و پاکستان، افتخار آفرین شدند. البته نام چند نفر از شاگردان وی، در
 کتاب های تراجم، ثبت نشده است که عبارت اند از:

۱- سید نذر حسین نقوی، در سال ۱۹۱۴ م، در شهر سرگودها پاکستان، به دنیا آمد. وی مدتی در
 شهر گوجرانواله پنجاب، زندگی و سپس برای تحصیلات علوم دینی به هندوستان هجرت کرد و در
 شهر لکنهو رحل اقامت گزید. از عالمان آن شهر، به ویژه عالم بزرگوار آن زمان، سید علی نقی نقوی
 بهره های فراوان برد. او از مبلغان علوم دینی موفق در پاکستان است (نقوی: ۱۳۷۰، ۳۷۵).

۲- سید کلب عابد نقوی، فرزند کلب جواد نقوی، رییس جمعیت شیعیان لکنهو و از نویسندگان
 سرزمین شبه قاره هند بوده. ایشان نیز از شاگردان علامه سید علی نقی نقوی، بوده است.

۳- یکی دیگر از شاگردان علامه علی نقوی، سید کلب صادق نقوی، فرزند کلب جواد، استاد
 دانشگاه علیگر لکنهو و رییس جعفریان هند، بوده است.

۴- از جمله شاگردان ایشان، محمد علی مدرس افغانی (م ۱۳۶۵ ش)، نویسنده مکررات شرح

الفیه ابن مالک السیوطی و مدرس نامدار حوزه علمیه قم، بوده است (مصاحبه با تقی حیدر نقوی از فضلالی لکنهویی مقیم قم در زمستان ۱۳۸۷ به نقل از علی کرجی).

۸-۱. فعالیت های تبلیغی مولانا نقوی

مولانا سید علی نقی نقوی، بر اساس رسالت و وظیفه دینی خویش به تبلیغ معارف اسلامی و احکام شرعی و نشر مکتب اهل بیت علیهم السلام در هندوستان و پاکستان، تلاش کرد. ایشان با بیانی شیوا و روان و در عین حال متقن و مستدل، به تبیین آموزه های دینی، می پرداخت. روش سخن رانی وی، با این که از نظر بیان ساده و شیوا، عوام فهم بوده از نظر دقت، خواص پسند بوده است و در عین حال با وجود این ویژگی ها همراه با اخلاص نیز بوده است. همین سخنان آن عالم ربانی را سخنانی ماندگار کرد. شور و اشتیاق مردم آن سامان برای شنیدن سخنان دل نشین او و نیز استفاده از نوارهای صوتی و تصویری وی در میان مردم و نیز سایت ها و وبلاگ های گوناگون، گویای توانایی وی در بیان مطالب علمی و معارف اسلامی می باشد.

او بارها در سال های ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۳ م، به دعوت عالمان و مراکز علمی - فرهنگی؛ مانند حوزه علمیه امام المنتظر لاهور و جامعه مسجد کریشن نگر به پاکستان، سفر کرد. در این زمان ها در شهرهای لاهور، کراچی، اسلام آباد و راولپندی و مانند آن، به نشر معارف دینی، و مذهبی پرداخت و با طرح موضوعات گوناگون علمی و دینی؛ مانند حقیقت اسلام، ماهیت جهاد، شهادت در اسلام، سجده شکر، تفسیر آیه تطهیر، مبانی عقلی و نقلی توسل و... به شبهات گوناگون و رایج در آن کشور پاسخ می داده است. افزون بر این ها در ماه محرم سال های ۱۹۸۳ در تلویزیون پاکستان، به طرح واقعه عاشورا و فلسفه قیام امام حسین ۷ پرداخت که در رسانه ملی این کشور پخش شد (www.noorehidayat.com). مصاحبه با تقی حیدر نقوی از فضلالی لکنهویی مقیم قم در زمستان ۱۳۷۸ ش به نقل از علی کرجی).

۹-۱. مولانا نقوی از نگاه سیره نویسان

شخصیت مولانا علی نقی نقوی، از سوی سیره نویسان و عالمان علوم اسلامی به خاطر مقام علمی و معنوی ایشان ستایش و مورد تکریم قرار گرفته است. چنان چه مولف ثبت الاسانید، ایشان را دانشمند محقق، مورخ، ادیب و شاعری توانا معرفی کرده است. سید محمد صادق بحر العلوم، از مولانا علی نقی نقوی به عنوان علامه ادیب، یاد کرده است (طباطبایی: ۱۳۶۳، ۱۵۳/۱). شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید حسن صدر، ایشان را علامه ای پژوهش گردانسته اند (تهرانی، همان، ۱/۹۳؛ صدر: ۱۴۲۶، ۴۴). مولف کتاب علی علیه السلام فی الكتاب والسنة والادب، مولانا نقوی را با هوش و کوشا

در امر تحصیل و تحقیق توصیف کرده است (شاکری: ۱۴۱۸، ۵ / ۲۲۹).

۱۰-۱. ویژگی‌های اخلاقی

با این‌که در هندوستان، ادیان و مذاهب فراوان وجود دارد، شخصیت مولانا سید علی نقی نقوی، در بین همه پیروان ادیان مورد احترام بوده است. به دلیل این‌که ایشان هم با پیروان آنها با احترام و رعایت اخلاق اسلامی رفتار می‌کرد و هم به دیگران نیز سفارش می‌کرد که با اخلاق زیبا با آنان برخورد کنند. اگر میان او و صاحبان و یا طرفداران آن مذاهب و ادیان مناظراتی صورت می‌گرفت و آنان در میان سخنان خود به وی بی‌احترامی می‌کردند، وی آنان را گرامی می‌داشت و این عقیده را داشت که آنان در این بی‌احترامی‌ها تقصیری ندارند؛ چرا که آنها هم خیال می‌کنند عقیده‌شان درست است و عقیده‌ی طرف مقابل نادرست و اشتباه است. از این رو نباید با تندی کردن با آنان، زمینه‌ی دور شدن آنان از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را فراهم کرد.

مولانا سید علی نقی، با این‌که در معاشرت و مناظرات بسیار متواضع و خوش رفتار بود، ولی درباره‌ی اصول و ارکان اسلام با قاطعیت برخورد می‌کرد و هیچ‌گاه اهل تسامح و تساهل نبود. نمونه‌ی آن، برخورد با پیروان سلفیه و وهابیان بود که از هیچ اتهام و صدمه‌ای علیه شیعیان و عالمان شیعی، فروگذاری نبودند. هدف نهایی کارهای ایشان، رضایت خداوند بود و جز حصول رضایت او به چیزی نمی‌اندیشید. هیچ‌گاه در برابر صاحبان مقام و ثروت از خود سستی و تزلزلی نشان نمی‌داد. در یکی از سفرهایی که برای تبلیغ دین به پاکستان دعوت شده بود، رئیس جمهور دیکتاتور پاکستان، ژنرال ضیاء الحق، به ایشان پیغام فرستاد تا به دیدن او برود، اما وی قبول نکرد و در پاسخ گفت: "اگر کسی با من کار دارد، باید او به دیدار من بیاید" (مصاحبه با تقی حیدر نقوی از فضلی لکنهویی مقیم قم در زمستان ۱۳۷۸ ش به نقل از: علی کرچی).

۱۱-۱. ارتباط با امام و انقلاب

مولانا سید علی نقی نقوی، از جمله عالمان بیدار و آگاه زمان خویش در سرزمین هند بوده است. ایشان از اتفاقات و رخدادهای سیاسی و مذهبی در جهان، به ویژه از مسائل جهان اسلام، آگاه بود و در مناسبت‌های گوناگون، مردم را نیز آگاه می‌کرد. مولانا نقوی، انقلاب اسلامی ایران را از حکومت‌های صالح در عصر کنونی می‌دانست و آن را مورد تایید قرار می‌داد و ارادت و ویژه‌ای به امام خمینی (ره)، داشت. این ارادت و تایید برای گروهی از دگراندیشان سرزمین هند، سخت می‌نمود. از این رو با پخش شایعات بر آن بودند تا مولانا نقوی را مخالف برنامه‌های امام و انقلاب اسلامی جلوه دهند، ولی ایشان بارها با روشن‌گری و قاطعیت به خنثی‌سازی این‌گونه شایعات، اقدام می‌کرد (همان).



۱۲-۱. آثار و تالیفات

مولانا سید علی نقی نقوی، با توانایی علمی که در همه موضوعات علوم دینی، داشت و بر اساس نیازهای عصر خود، آثار گوناگون فقهی، اصولی، اعتقادی، تاریخی و مانند آن را به رشته تحریر، در آورد. تعداد آثار ایشان در قالب تالیف و رساله، به ده ها کتاب و مقاله می رسد. در قالب مقاله بالغ بر هزار نوشتار دارد. که در نشریات مختلف به ویژه در مجلات آن زمان مانند *العرفان*، *المرشد* و ماهنامه علمی و ادبی و تاریخی *الرضوان* لکنهو، به چاپ رسیده و منتشر گردیده است. بسیاری از آثار و تالیفات مولانا نقوی، هم اکنون در دسترس نیست. چرا که در سال ۱۹۷۲ م، توسط وهابی های متعصب، خانه و کتابخانه ایشان به آتش کشیده شد و بسیاری از آثار و تالیفات و نسخ خطی که نزد ایشان بود، در آتش سوخت. با این حال آثار به جا مانده از ایشان، متنوع و از نظر غنای محتوا، قابل توجه است. بسیاری از آنها به عنوان منابع پژوهشی در کتابخانه ها و مراکز علمی و فرهنگی مورد استفاده پژوهش گران و محققان بومی و غیر بومی جهان اسلامی است. موضوعاتی که از علامه نقوی اکنون در دسترس می باشد؛ عبارت اند از:

۱- مجموعه ای از سخنرانی های فقهی علامه سید علی نقی نقوی

۲- تجارت در اسلام

۳- *دیوان اشعار*. وی شعرهای فراوان و متنوعی در موضوعات گوناگون، به ویژه در موضوعات تاریخی و مذهبی؛ مانند ولادت امام علی علیه السلام در مکه مکرمه و خانه خدا و واقعه غدیر دارد. از این رو در زمره شاعران غدیر به شمار می آید. وی، قصیده ای بلند به زبان عربی درباره ولادت علی علیه السلام سروده است. زیبایی آن قصیده، سبب شد که استادش، میرزا علی آقای شیرازی، او را تحسین کند. گزیده ای از ابیات آن قصیده عبارت اند از:

من بدا فاذهر البیت الحرام وزهت منه لیالی رجب
طرب الکون لبشر وهنا اذ بدا الفخر بنور و سنا
واتی الوحی ینادی معلنا قدا تا کم حجة الله الامام
ولد الطاهر ذاک ابن جلا من سما العرش جلالا و علا
فله الاملاک تعنو ذللا و به قد بشر الرسل العظام
صغر الکون علی سؤده و انتمی الوحی الی محتده

۴- *روح الادب فی شرح لامیه العرب*. به زبان اردو است و در سال ۱۳۲۰ ق، در لکنهو، به چاپ رسیده است (تهرانی، همان، ۱۱/۲۶۱).

۵- ترجمه دیوان میرانیس به عربی. میرانیس، که از جمله شاعران بنام شبه قاره هند بوده و درباره اهل بیت علیهم السلام قصاید و اشعار پر محتوایی را سروده است. برخی از آثار وی به زبان انگلیسی برگردان شده است. مولانا سید علی نقی نقوی، دیوان این شاعر برجسته را به زبان عربی برگردان کرد که یکی از آثار ماندگار ذوقی و ادبی وی به شمار می رود و نشان دهنده تسلط وی به زبان عربی است.

۶- قاتلان حسین علیه السلام؛ این اثر به زبان اردو است و در حالات بنی امیه و معرفی شخصیت قاتلان امام حسین علیه السلام است. این اثر مولانا نقوی در نجف اشرف، در سال ۱۳۵۱ ق، در ۱۳۵ صفحه به چاپ رسیده است (همان، ۳/۱۷).

۷- نزهة اهل الحرمین فی عمارة المشهدین؛ این اثر علامه نقوی در لکنهو هند، به چاپ رسیده است (صدر: ۵۰، ۱۴۲۰).

۸- البیت المعمور فی عمارة القبور؛ این کتاب مولانا نقوی، به زبان اردو در سال ۱۳۴۵ ق، در هند به چاپ رسیده است (تهرانی، همان، ۳/۱۸۵).

۹- تواریخ الاعلام (همان، ۴/۴۷۴)

۱۰- مذهب کی ضرورت؛ (نیاز به مذهب)

۱۱- مذهب اور عقل؛ (عقل و مذهب)

۱۲- مادیت کا علمی جائزہ؛ (نقد و بررسی مادی گرایی)

۱۳- لارڈ راسل ک- ملحدانہ خیالات کی رد؛ (نقد دیدگاه ملحدانه راسل)

۱۴- تاریخ اسلام

۱۵- الحجج والبینات؛ این کتاب مولانا نقوی، در موضوع کراماتی که در مشاهد مشرفه عراق رخ داده، می باشد و در سال ۱۳۵۰ ق، در لکنهو هند به چاپ رسیده است (همان، ۶/۲۶۳)

۱۶- الشعائر الحسینیة فی العراق؛ اصل اثر به زبان انگلیسی است. نویسنده آن، طامس لائل است. علامه نقوی، آن را به عربی برگردانده است (همان، ۱۴/۱۹۱).

۱۷- شهید انسانیت؛ این اثر علامه نقوی، که در ۷۱۲ صفحه منتشر شده است. این کتاب را ایشان درباره مقتل سید الشهداء امام حسین ۷ نگاشته اند. در این اثر، ایشان افزون بر تبیین اهداف حرکت و قیام سرور شهیدان، درباره برخی حقایق و وقایع شب عاشورا، مانند وجود آب میان کاروان حسینی علیهم السلام، در شب عاشورا به سخن پرداخته است. همین سبب برخوردهای نامناسب

برخی نویسندگان و عالمان شهر لکنهو با وی و انزوای ایشان به مدت طولانی در میان مردم لکنهو شد. از سویی کتاب‌ها و رساله‌های گوناگونی در رد آن مانند رساله اظهار حقیقت به وسیله سید سبط الحسن فتح پوری، نگاشته شد (همان، ۹۲/۱۱). مولانا نقوی، برای جبران در سال ۱۳۶۹ ق، جزوای درسی و یک صفحه به نام حجج و معاذیر منتشر کرد که به زبان عربی و اردو است. ایشان در این جزوه، تهمت‌هایی را که به وی زده‌اند، پاسخ داد. البته نگاشته نماند که کتاب شهید انسانیت علامه نقوی مانند حماسه حسینی، علامه مرتضی مطهری است، که به برخی از وقایع و حوادث مشهور بین مردم، منبر و روضه‌خوان‌ها پرداخته است. چنانچه اگر درباره آن وقایع از نظر تاریخی، یک محقق مانند علامه نقوی یا شهید بزرگوار علامه مطهری سخنی را که خلاف مشهور است بنویسد، برخی افراد دانسته یا نادانسته به مخالفت آن می‌پردازند. چنانچه کتاب حماسه حسینی به به زبان اردو ترجمه گردید؛ برخی از شیعیان هندی، به علامه مطهری، ناسزا گفتند و علیه او موضع گرفتند. مولانا سید علی نقوی، کتاب شهید انسانیت را به زبان اردو و در بیان سیره امام حسین ۷ نگاشته است. در لکنهو، به همت اداره تذکار حسینی آن شهر، به چاپ رسیده است (همان، ۱۴/۲۶۳).

۱۸- **وجود الحجة (عج)**؛ این اثر مولانا نقوی، در موضوع اثبات وجود امام عصر (عج)، به زبان اردو است. در سال ۱۳۵۱ ق، چاپ شده است (همان، ۲۵/۳۷).

۱۹- **السبطان فی موقفیهما**؛ این اثر به زبان عربی و در قم به همت مکتبه الداوری به چاپ رسیده است. هم‌چنین به کوشش محمود بحر العلوم میردامادی، به فارسی با عنوان استراتژی صلح و قیام ترجمه و توسط موسسه انتشاراتی بهار قلوب اصفهان، در سال ۱۳۸۲ ش، در صد صفحه به چاپ رسیده است.

۲۰- **الولادة المکرمة فی الکعبة المعظمة**؛ این اثر مولانا نقوی، درباره ولادت علی ۷ در مکه و خانه خدا است و به دو زبان عربی و اردو نگاشته شده است.

۲۱- **معراج انسانیت در موضوع سیره امامان معصوم**

۲۲- **عید غدیر**؛ این اثر مولانا نقوی، درباره عید غدیر، عید بزرگ مسمانان است که در بیشتر مناطق اهل سنت به فراموشی سپرده شده است؛ در میان پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) که در آن مناطق مانند هند و پاکستان اقلیت هستند عظمت این عید بزرگ پوشیده مانده است و برای احیا آن مولانا نقوی، این کتاب را نوشت.

۲۳- **کشف النقاب عن عقاید ابن عبدالوهاب**؛ موضوع این کتاب رد آرای وهابیت است و در سال

- ۱۳۴۶ ق، در ۱۳۵ صفحه، به چاپ رسیده است (همان، ۲۸۸/۱۲).
- ۲۴- **السيف الماضي على عقائد الاباضي**؛ نگارش این اثر را مولانا سید علی نقوی، در نجف اشرف، در جمادی الاولی سال ۱۳۴۷ ق، به پایان رساند. لکن تاکنون تا جایی که بنده جست‌وجو کرده‌ام به چاپ نرسیده است (همان، ۲۸۸/۱۲).
- ۲۵- **النجعة في اثبات الرجعة**؛ این اثر را مولانا نقوی، در موضوع رجعت، نوشته است و نخست در مجله الرضوان لکنهو، به صورت مقاله، به چاپ رسیده است (همان، ۹۳/۱). این اثر بررسی سخنان ابومحمد فضل بن شاذان از دی نیشابوری (م ۲۶۰ ق) نویسنده کتاب اثبات الرجعه، است.
- ۲۶- **نقد الفرائد**؛ در موضوع اصول دین. این اثر مولانا نقوی، ترجمه‌ی عربی کتاب عقد الفرائد فی مختصر العقائد، از آثار شیخ محمدرضا طبسی (م ۱۴۰۵) است. (همان، ۱۹۷/۲؛ ۲۴۷/۲۷۷)
- ۲۷- **زبدة الكلام في تلخيص عماد الاسلام**؛ موضوع اثر، اصول دین و معارف دینی است. اصل کتاب، تالیف جد اعلای مولانا سید علی نقوی، یعنی علامه سید دلدار نقوی، است. مولانا سید علی نقوی، آن را تلخیص و بازنویسی کرد و در قالب مقاله‌های گوناگون در آورد و در ماهنامه‌ی الرضوان، به چاپ رساند (همان، ۳۱/۱۲).
- ۲۸- **رد وهابیت**
- ۲۹- **اقرب المجازات الی مشایخ الاجازات**؛ این اثر اجازه نامه مفصلی است که سید علی نقی نقوی، برای دوستش سید محمد صادق بحر العلوم، صاحب الاجازة الجلالیة؛ در سال ۱۳۹۴ ق، به رشته تحریر در آورده است.
- ۳۰- **وفیات الشيعة**
- ۳۱- **تاریخ مشاهیر علماء الهند**؛ نگارش این اثر را مولانا علی نقوی نقوی، در نجف اشرف و در سال ۱۳۴۷ ق به اتمام رسانید و در این کتاب ایشان، ترجمه و شرح حال پنجاه و سه نفر از عالمان بزرگ هندی، را در شش طبقه سازماندهی کرده است (همان، ۳۹/۲۱؛ ۲۸۶/۳؛ ۲۶۰/۴).
- ۳۲- **العقود الذهبية في السلسلة النسبية**؛ موضوع آن معرفی سلسله نسب خود تا امام هادی ۷ است که به صورت منظوم، مولانا نقوی سروده است. نگارش آن در نجف اشرف در اول ذوالقعدة سال ۱۳۴۷ ق، به پایان رسیده است. بیت اول آن به این گونه است: حمدا له من خالق البیان و ملهم الحکمه و البیان (همان، ۴۷۸/۱).
- ۳۳- **تذکره السلف**؛ زندگی نامه جدش علامه دلدار نقوی (م ۱۲۳۵ ق) است (همان، ۳۵/۴).

۳۴- تاریخ و فیات الشيعة؛ این اثر در مجله الهدی العماریه، به چاپ رسیده است (همان، ۳/ ۲۹۴-۲۹۵).
۳۵- مراکز مهم شیعه در ادوار مختلف اسلامی؛ این اثر در مجله ی وحید به زبان فارسی در سال ۱۳۴۹ ش، به چاپ رسیده است.

۳۶- تحریف القرآن، به زبان اردو، است. این کتاب رد بر نظریه‌ای است که می‌گوید: شیعیان به تحریف قرآن معتقد هستند (همان، ۳، ۳۹۴). لذا مولانا نقوی، با نگارش این اثر پاسخ این تهمت به شیعه را داده است.

۳۷- الفرقان فی تفسیر القرآن (همان، ۱۶/ ۱۷۴)؛ این اثر تفسیر ترتیبی قرآن کریم است. در ماهنامه الرضوان در لکنه‌و به چاپ رسیده است. چاپ آن مقاله‌ها از سال ۱۳۵۴ ق، شروع شده است (همان، ۴/ ۲۹۵) و اکنون به نام تفسیر فصل الخطاب، در دسترس عموم می‌باشد.

۳۸- تذکره الحفاظ من الشيعة؛ در شبه قاره هند در زمان مولانا سید علی نقی نقوی و تا پیش از انقلاب جمهوری اسلامی ایران توسط برخی، بین عوام اهل سنت، این شبه مطرح بوده که شیعیان توان آشنایی با قرآن کریم را ندارند و به خاطر مخالفت با صحابه، قرآن در قلب شیعه، قرار نمی‌گیرد و نمی‌تواند قرآن را حفظ کند. شاید به همین خاطر موضوع مولانا نقوی، تذکره الحفاظ من الشيعة را نگاشت، که موضوع این کتاب شرح حال بسیاری از شیعیان حافظ قرآن کریم است و بالغ بر ۱۴۶ حافظ قرآن کریم در این کتاب معرفی شده است. این کتاب در دو جلد، در سال ۱۳۵۳ ق، به زبان اردو به چاپ رسیده است (همان، ۲۶/ ۱۷۹-۱۸۰).

۳۹- مقدمه تفسیر

۴۰- تخمیس العینیة الحمیریة (همان، ۲۹/ ۶۸)

۴۱- ترجمه نهج البلاغه، در این اثر علامه نقوی، نهج البلاغه را به زبان انگلیسی برگردانده است. در سال ۱۳۷۵ ق، ترجمه شده است و بارها به چاپ رسیده است. در قم، توسط انتشارات انصاریان در سال ۱۴۰۹ ق به زیور چاپ آراسته شده است (همان).

۴۲- الظل الظلیل فی المکاتیب والمراسیل (تهرانی، ۱۵/ ۲۰۱).

۴۳- اصول دین و قرآن

۴۴- اسلام و انسانیت

۴۵- عالمی مشکلات کا حل؛ (راه حل مشکلات جهانی)

۴۶- الرد القرآنیة علی الکتب المسیحیة مذهب باب و بهاء

۴۷- خلافت و امامت

۴۸- حدیث حوض

۴۹- سیده عالم؛ این کتاب درباره حضرت فاطمه ۳ است.

۵۰- نظام تمدن و اسلام

۵۱- اسلام کا پیغام پسمانده اقوام کی نام؛ (پیام اسلام برای اقوام مستضعف).

۱-۱۴. وفات

مولانا سیدعلی نقی نقوی، در اول ماه شوال سال ۱۴۰۸ ق، برابر با ۱۸ ماه می سال ۱۹۸۸ م، در سن هشتاد و سه سالگی دارفانی را در لکنه، وداع گفت. از علامه نقوی، چهار دختر و یک پسر به یادگار مانده است. پسرش، سید علی محمد نقوی از عالمان و فرهیختگان شهر لکنه، است. وی از تحصیل کرده‌های مرکز جهانی علوم اسلامی حوزه علمیه قم می‌باشد. اکنون به عنوان استاد علوم اسلامی در دانشگاه اسلامی علیگر در ایالت اوتارپرادش، فعالیت می‌کند و مبلغ علوم دینی در هندوستان، می‌باشد. او آثار ارزشمندی در موضوعات گوناگون به چاپ رسانده است؛ از جمله: سازمان‌های اسلامی هند، اسلام و ملی‌گرایی، کندوکاوی در جنبش وهابی‌گری در هند، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، ایدئولوژی انقلابی اقبال و کتاب تفسیر و مفسران در هند را نوشته است (شاکری؛ ۱۴۱۸، ۱۱۱).



۲. معرفی تفسیر فصل الخطاب؛ الفرقان فی تفسیر القرآن

مولانا علی نقی نقوی، چنان‌چه گفته شد، نخست مقالات تفسیری را می‌نگاشت که در مجله الرضوان لکنه، به چاپ می‌رسید و نوشتن این تفسیر مدتی نزدیک به بیست سال، از ۱۳۵۴ تا ۱۳۷۵ ق، به طول انجامید. این تفسیر چاپ‌های متعددی داشته است و انتشارات اداره علمیه خیابان عبد العزیز لکنه، این تفسیر را در هفت جلد در ۱۳ صفر سال ۱۳۷۵ م، به چاپ رساند. هم‌چنین مصباح القرآن ترست لاهور نیز در سال ۱۴۱۴ ق، این مقاله را چاپ کرد. که در ابتدا تفسیر مقدمه تفصیلی مولانا سید علی نقی را نگاشته است که در، نه عنوان تبصره‌ی مباحث علوم قرآن و دیگر مباحث در آن ارائه شده است که عبارت اند از: معنی لغوی و اصطلاحی قرآن و حدیث، تفاوت حدیث با آیات قرآنی، هم‌چنین تفاوت حدیث پیامبر با حدیث قدسی، معنی و مفهوم کلام الهی، این‌که قرآن مخلوق خداست یا خیر و فتنه‌ی تاریخی که در این باره رخ داد، معنی

کلام نفسی، معنی نزول قرآن و اقسام وحی، اعجاز قرآن و معنی معجزه و ضرورت آن، ویژگی‌های اعجاز قرآن که مولانا نقوی، به دلایل تفصیلی آن پرداخته است، جمع کردن و تدوین قرآن که در این باره مولانا نقوی، مصحف امام علی ۷ را نیز توضیح داده و قرآن فعلی را جمع خلفا دانسته است (نقوی: ۱۴۱۴، ۶۷/۱-۶۸)، نفی تحریف قرآن که در این باره مولانا نقوی، نزدیک به بیست صفحه بحث کرده و دلایل تاریخی، قرآنی و عقلی به نفی تحریف قرآن بیان کرده است و این که شیعه قائل به تحریف قرآن است را تهمت به مکتب اهل بیت علیهم السلام دانسته و درباره عدم تحریف روایات از امامان معصوم ۷ نیز مطلب نوشته است، قرائت‌های هفتگانه و قراء سبعة، دیدگاه‌های مختلف درباره فهم قرآن و بلاغت آن، تفسیر و اصول آن و چند مثال از تفسیر به رای را نیز آورده است، بحث تاویل و معنی آن، محکم و متشابه. بعد از این مقدمه تفصیلی، مولانا نقوی پیش از ورد به تفسیر سوره فاتحه القرآن، تمهید را نوشته که در آن به وجوه اعجاز قرآن پرداخته و بار دیگر به نفی تحریف آن اشاره کرده است (همان، ۱/ ۱۵۱-۱۸۳). در تفسیر فصل الخطاب، علاوه بر شان نزول سوره‌ها و اسباب نزول آن به مصادیق آیات قرآن نیز پرداخته است و در هر جزء قرآن خلاصه مطالب آن به صورت جداگانه نوشته، و مولانا سید نقوی در معنی کلمات دقت خاصی داشته است و پاسخ شبهاتی که در آن زمان علیه قرآن کریم، از سوی مخالفان مطرح می‌شده، را با تحقیق گسترده داده است.

۱-۲. روش و گرایش تفسیری

مولانا سیدعلی نقی نقوی، در تفسیر *فصل الخطاب*، روش تفسیری بسیار ساده‌ای دارد. وی بعد از نگارش آیه قرآن، ترجمه آن را با زبان ساده و روان و دقیق ارائه می‌کند و بعد از آن اگر لازم باشد به معانی لغات به گونه‌ای مختصر اشاره کرده و محتوی آن را با زبان ساده توضیح می‌دهد. در توضیح محتوی از تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت؛ مانند *مجمع البیان*، *آلاء الرحمن* مرحوم بلاغی، *تفسیر بیضاوی*، *تفسیر صافی* مرحوم فیض کاشانی و *مفاتیح الغیب* فخر رازی و تفسیر طبری... استفاده کرده است. مولانا نقوی، وارد مباحث اختلافی بین شیعه و اهل سنت و تفصیل آن نمی‌شود، چنان چه این مطلب در تفسیر آیات اعتقادی روشن است (نقوی: ۱۴۱۴، ۲/ ۳۷۲-۳۷۳). می‌توان گفت که روش وی در تفسیر *فصل الخطاب*، روش روانی است زیرا بیشتر در توضیح محتوای آیات، روایات تفاسیر مذکور، نقل کرده است، مثلاً وی در تفسیر آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ) (بقره/ ۲۰۸) بعد ترجمه به زبان اردو می‌نویسد: "از الفاظ آیه ظاهر است که این آیه برای جلوگیری مسلمانان از اختلاف و

نزاع داخلی و برای دعوت آنان به اتحاد و وحدت و همدلی و صلح و آشتی آمده است. لذا تفسیر سلم با اسلام قرین قیاس نیست بلکه مراد از «سلم» در آیه صلح و امنیت در برابر جنگ و درگیری است. (فیما حضرنا من كتب اللغة السلم بكسر السين وسكون الام الصلح والمراد منه الملائمه وعدم الحرب. بلاغی) و ظاهراست که نزاع و درگیری مهمی که می‌توانست بین مسلمانان رخ دهد درگیری برای مسئله خلافت بود. لذا قرین قیاس بسیار همین است که مراد در این باره دادن هشدار به مسلمانان بوده است و مسلمانان را دعوت به یک جهتی و اتحاد در پیروی به حکم خدا و رسول ﷺ درباره بوده است. (عن الباقر علیه السلام فی تفسیر السلم فی آلیه قال فی ولایتنا بلاغی) و اگر مراد از (سلم) اسلام باشد باز هم تقاضای عملی دین اسلام، پیروی از امر خدا و رسول ﷺ و تسلیم بودن در برابر آن است و لذا بعد از اعلان خدا و رسول ﷺ در این باره که بعد از پیامبر ﷺ و ولی امر مسلمانان چه کسی است؟ در واقع منع کردن مسلمانان از رای در این باره و عمل کردن همه آنان به حکم خدا و رسول ﷺ می‌تواند مقصود آیه باشد. (حملها علی الطاعة اعم و یدخل فیه ما رواه اصحابنا من ان المراد الدخول فی الولاية. مجمع البیان) (همان، ۲/۳۷۳-۳۷۴) از این روش مولانا نقوی، واضح است که وی اگر می‌خواست دیدگاه مذهبی خود را نیز ارائه دهد با ملایمت و نقل روایات امامان با الفاظ و بیان منطقی ارائه می‌داد، بدون این‌که مستقیم مخالفان مذهبی را مخاطب قرار داده باشد و مبنی بر همین گرایش، وی اجتماعی بوده و در تفسیر آیات تلاش داشته است تا بتواند بیان مختصر و قابل فهم همگانی ارائه دهد.

۲-۲. نمونه های تفسیری

مولانا سید علی نقی نقوی، در ابتدای سوره فاتحه الكتاب، نخست معنی سوره را توضیح داده، سپس حکمت تقسیم قرآن به صورت جزء به جزء را بیان نموده است. هم‌چنین معیار مکی و مدنی بودن سوره را نوشته و اینکه در مکی بودن سوره حمد شک گونه شکی وجود ندارد و برای تأیید آن روایاتی را از امام علی علیه السلام نقل کرده است. در آغاز تفسیر (بسم الله الرحمن الرحيم) معنی آیه را از نظر لغت و اصطلاح توضیح داده و این‌که (بسم الله) به اتفاق همه مسلمانان جزء هر سوره بوده و از زمان پیامبر ﷺ تا زمان معاویه ادامه داشته است. نخستین کسی که بدون (بسم الله) نماز را در مدینه خواند، معاویه بود که با اعتراض صحابه و مسلمانان مواجه شد.

مولانا نقوی، در تفسیر آیه شش سوره فاتحه (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)، بعد از ترجمه آیه می‌نویسد: "در این آیه درخواست هدایتی که شده مراد از آن نه هدایت عمومی است که برای همه بندگان خدا قرار داده است و آن از لوازم ربوبیت است و مراد از آن نه هدایت اجباری است که در

آن هیچ‌گونه کمالی برای بنده نیست. بلکه مراد از این هدایت، اعانت و توفیق است که آن شامل حال بنده قرارگیرد او را به خیر و رستگاری نزدیک می‌کند. لکن به آن راه حرکت کردن کار خود بنده می‌باشد و مراد راه راست، راه مورد پسند خالق است که در آن افراط و تفریط نیست و همان دین حق می‌باشد و همین ما حاصل و نتیجه اتباع و پیروی از پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام است (نقوی، همان، ۳۴/۲-۳۵) و در این باره در احادیث متعدد، نقل شده است مانند: از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است: "الطریق المودی الی محبتک والمبلغ الی جنتک و المانع من ان تتبع اهواءنا فنعطب و ان تاخذیا راینا فنهلک" و از امام علی علیه‌السلام نقل شده است: "ما قصر عن الغلو و ارتفع عن التقصیر" و از امام صادق علیه‌السلام است: "الطریق الی معرفت الله" و نیز از امام صادق علیه‌السلام در ذیل همین آیه نقل شده است: "الامام المفترض الطاعة" و هم‌چنین از امام صادق علیه‌السلام است: "الطریق الی معرفه الامام" و بالاخره در این امام صادق علیه‌السلام است که فرموده: "هو امیر المومنین و معرفته" (علی ابن ابراهیم) و بعد از نقل این روایات مولانا علی نقوی می‌نویسد: "همه این تعبیرها نشان دهنده یک راه اند و حقیقت بیش از یک چیز نیست. (امال الکل واحد عند العارفین باسراهم «صافی») و ظاهر است که دعا برای آینده و مسقبل است و درباره گذشته و حال امری حاصل است و در مورد گذشته و حال دعا کردن اصلا معنی ندارد. لذا کسی که به راه راست نیست برای قرار گرفتن آن به راه راست، از طرف خدا هدایت لازم است و کسی که به راه راست است در آینده ماندن آن به این راه نیز نیاز به کمک از طرف خدا لازم است و لذا در تفسیر آیه «اهدنا»، وارد شده است که (ما را به راه راست ثابت قدم بدار) (عن علی کرم الله وجهه ثبتنا علی الهدایه «غرائب القرآن») (معنی این آن است که، در زندگی آینده به راه راست حرکت کردن وابسته به توفیق پروردگار است و دیگر این که انسان عارف و سالک مرتبه حق؛ وقتی در این منزلت می‌رسد او منزلت بالاتر را نیز می‌بیند. به خاطر همین آخرین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر زبان می‌آورد (رب زدنی علما) و منزلت و مقام بلند درجه‌ای از (صراط مستقیم) است و همین مطلوب (اهدنا الصراط المستقیم) است و ترجمه آن خواهد بود که «ما را همیشه به راه راست هدایت کن» و این در مقام عبودیت مناسب تر و جامع است (نقوی، همان، ۳۵/۲).

مولانا نقوی در تفسیر آیه (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ) (بقره/۲۰۷) می‌نویسد: "بسیاری از روایات شیعه و اهل سنت ثابت است که این آیه در شان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، در شب هجرت نازل شده است. بعد از هجرت پیامبر گرامی اسلام، حضرت علی علیه‌السلام با آرامش و اطمینان به بستر ایشان خوابیدند و در فروختن انسان چیزی که در اختیار خود دارد آن را به فرد دیگر می‌دهد و در عوض آن، قیمت آن را از وی، می‌ستانند. همین

گونه در راه خدا جان و نفس خویش را برای قربانی هدیه می‌کند و برای رضایت مولای، زندگی و جان خود را به خطر می‌افکند و لذا برای آن تعبیر فروشنده به کار برده شده است. (انه اطلق علیه اسم البیع لانه انما فعل ما فعل رضاء الله) و فراز آخر آیه که (خدا نسبت به بندگان خود مهربان است. خدا درباره قبولیت این فداکاری و خشنودی خود را از این کار را اعلام کرده است که وقتی کسی این گونه در راه ما فداکاری کند و جان خود را تقدیم کند ما چه از او باران رحمت و رضوان سرمدی خویش را دریغ خواهیم کرد؟! حالا قربانی و فداکاری هر چه قدر که عظیم و بزرگ باشد شفت و مهربانی پروردگار نیز در برابر آن بیشتر جلوه‌گر خواهد بود) (نقوی، همان، ۲/ ۳۷۳).



نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر آن چه به عنوان نتیجه بحث می‌توان ارائه کرد این است که:

۱. مولانا سید علی نقی نقوی، در زمانی تفسیر فصل الخطاب را نگاشت که پیش از آن، در شبه قاره در بین پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، تفسیری با ویژگی‌هایی که در بالا شمرده شد؛ از جمله سلاست و روانی قلم و به لحاظ حجم، نه خیلی کوتاه باشد که خواننده مطلب را به صورت کامل، متوجه نشود و نه با تفصیل باشد که خواننده را خسته کند، به رشته تحریر در نیامده بود.

۲. با نگرارش این تفسیر، در بین مردم مسلمان شبه قاره و به‌ویژه میان شیعیان هند و پاکستان نسبت به علوم قرآنی، تفسیر و معارف اسلامی آگاهی بیشتر شد و نقش خوبی را در گسترش علوم اسلامی و علوم قرآنی ایفا نمود. در مدت زمان کوتاه، این تفسیر در میان مردم مسلمان، شهرت و رواج یافت و مورد استقبال قرار گرفت.

۳. مولانا سید علی نقی نقوی، در تبیین آیات روش و گرایشی را در نگرارش این تفسیر داشته که مورد نیاز جامعه مسلمان نشین سرزمین هند و پاکستان بوده است. چراکه در آن زمان؛ گفت‌وگوی مذاهب و مناظره به ویژه میان شیعه و اهل سنت، رواج داشته و هم اکنون هم تا حد زیادی در میان مردم مسلمان شیعه و اهل سنت هندوستان راه گفت‌وگوی مسالمت آمیز باز است. هم‌چنین به دلیل تنوع ادیان و مذاهب گوناگون در دیار هند، مناظره و گفت‌وگوی میان ادیان مطرح می‌شود و این تفسیر منبع خوبی برای گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز میان ادیان و مذاهب در موضوعات کلامی از جمله خداشناسی، معادشناسی، راهنماشناسی و... به شمار می‌رود. لذا مولانا سید علی نقی نقوی، بیشتر باروش روایی و ماثور و گاه روش عقلانی، اجتهادی و هم‌چنین باگرایش کلامی، آیات را تبیین کرده است. ایشان در توضیح معانی و مفهوم آیات، از منابع گوناگون و معتبر لغوی، تفسیری، کلامی، حدیثی و فقهی و... شیعه و اهل سنت بهره برده است.

فهرست مراجع

- ۱- اصفهانی نجفی، محمد رضا؛ ۱۴۱۳، *وقایة الأذهان*، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ لإحياء التراث.
- ۲- امروهي، سيد شاهسوار حسين؛ ۲۰۰۹، *تذکره مفسرين اماميه*، دهلي نو: المصطفى پبليکيشننز.
- ۳- امين، حسن؛ ۱۴۰۳، *مستدرکات اعيان الشيعة*، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ۴- اميني، احمد عبدالحسين؛ بی تا، *الغدیر فی الكتاب والسنة والادب*، قم: دایره المعارف فقه اسلامي.
- ۵- تهرانی، محمد محسن؛ ۱۴۰۳، *الذریعة الى تصانیف الشيعة*، بيروت: دارالاضواء.
- ۶- جلالی حسینی، سيد محمد رضا؛ ۱۳۲۴، *ثبت الأسانید العوالی من مرویات الجلالی*، قم: مجمع ذخیر اسلامي.
- ۷- شاکری، حسین؛ ۱۴۱۸، *علی ﷺ فی الكتاب والسنة والادب*، قم: موسسه انصاریان.
- ۸- صدر، سيد حسين؛ ۱۴۲۶، *تکمله امل الآمل*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۹- طباطبائی، سید محمد مهدی؛ ۱۳۶۳، *الفوائد الرجاليه*، تهران: مکتب الصادق.
- ۱۰- عاملی، سید محسن امین؛ ۱۴۰۳، *اعیان الشيعة*، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، بيروت.
- ۱۱- کرجی، علی؛ ۱۳۹۴، *مشعل دار فرهنگ*، سایت فرهیختگان تمدن شیعی.
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر؛ ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، بيروت: موسسه الوفاء.
- ۱۳- مرعشی نجفی؛ ۱۴۱۴، *الاجازة الكبيرة*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۱۴- -----؛ ۱۳۷۳، *المسلسلات فی الاجازات*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ۱۵- نقوی، سید حسین عارف؛ ۱۳۷۰، *تذکره علمای امامیه پاکستان*، ترجمه: دکتر محمد هاشم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۶- نقوی، سيد علی محمد؛ ۲۰۱۴، *تفسیر و مفسران در هند*، دهلي نو.
- ۱۷- نقوی، سيد علی نقی؛ ۱۴۱۴، *تفسیر فصل الخطاب*، مصباح القرآن ترست لاهور.

